

شهاب وحدت

آیت‌الله‌العظمیٰ

مرعشی و وحدت جهان اسلام

حسین رفیعی

توحید، نه تنها اعتقاد به وحدانیت حق تعالی است، بلکه عامل بسیار مهمی در ایجاد وحدت بین مسلمانان نیز هست. انبیای الهی، به‌ویژه حضرت ابراهیم، بزرگترین منادیان توحید در جهان به‌شمار می‌روند.

پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای ایجاد وحدت میان مسلمانان، به اتحاد بین آنان سفارش کرد و حتی عقد اخوت میان آنها بست، و مال و جان و ناموسشان را بر یکدیگر حرام کرد؛ و تأکید فرمود از اظهار هرگونه اعتقاد و نظریه تفرقه‌افکنانه پرهیز گردد؛ مبدا میان مسلمانان اختلاف افتد و صفوف منسجم آنان گسیخته شود؛ تا آن‌جا که فرمود: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة»^۱ و این، برداشتی بود مستقیم از آیه «و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»^۲

ائمه معصوم علیهم‌السلام نیز به پیروی از این اصل اساسی اسلام، و سفارشهای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خود، در عمل پایبند چنین دستورهایی بودند، و به اتحاد بین مسلمین اعتقاد داشتند.

از نمونه‌های بارز آن، رفتار مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام در زمان خلفای سه‌گانه بود. در این مدت، با این‌که مسلمین برخلاف سفارش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عمل کردند، حضرت سکوت را پیشه کرد، و از هرگونه کاری که بهانه به دست دشمنان بدهد و موجب تفرقه مسلمانان شود، پرهیز کرد، و مصالح شخصی را فدای مصالح عالی اسلام کرد.

به پیروی از این سنت حسنه، بسیاری از علمای بزرگ اسلام، به‌ویژه تشیع، منادی و حامی اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر مسلمانان بودند. شاید شیخ طوسی^۳ (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) را بتوان اولین عالم شیعی دانست که منادی وحدت میان مسلمانان بود. وی در سال ۴۰۸ ق از خراسان به عراق آمد و پنج سال از درس شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳ ق) بهره برد. پس از آن، ۲۲ سال از دانش سید مرتضی، معروف به شریف مرتضی

۱. صحیح بخاری، کتاب الجمعة، ۶/۲؛ مسند احمد بن حنبل، ۴۷/۲، ۵۴، ۵۵؛ سنن ابوداود، کتاب اماره، حدیث باب ۱ و ۱۳؛ سنن ترمذی، کتاب جهاد، حدیث باب ۲۷؛ مستدرک سفینة البحار، ۱۶۵/۴.

۲. آل‌عمران: ۱۰۳.

۳. رجال نجاشی، ۳۳۲/۲، شماره ۱۰۶۹؛ الکامل فی التاریخ، ۸۰۹/۱۰؛ سیر اعلام النبلاء، ۳۳۴/۱۸ - ۳۳۵، شماره ۱۵۵؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث ۴۵۱ - ۴۶۰ ق)، شماره ۲۶۸؛ الوافی بالوفیات، ۳۴۹/۲، شماره ۸۰۹؛ اعیان الشیعة، ۱۵۹/۹ - ۱۶۷؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ۲۷۹/۵ - ۲۸۳؛ شهاب شریعت، ص ۴۸ - ۴۹.

و غرب سفر نمود. روزنامه عروة الوثقی را در پاریس انتشار داد و به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد. در قاهره، استانبول، هند، افغانستان، ایران و عراق، با سخنرانیهای پرشور، افکار آزادیخواهانه را به مردم تلقین کرد. به همین دلیل، چندین بار تعقیب شد و تبعید گردید. وی در سال ۱۳۰۶ ق، در لندن، روزنامه ضیاء الخافقین را به زبانهای عربی و انگلیسی منتشر نمود، که مجدداً مورد تعقیب واقع شد و به ناچار خاک اروپا را ترک کرد و به استانبول رفت. سلطان عبدالحمید عثمانی، که خود داعیه خلافت بر مسلمین جهان را داشت، به گرمی از وی استقبال کرد و برای ایجاد اتحادیه مسلمین او را تشویق نمود، اما وقتی متوجه شد که سید او را به ریاست آن اتحادیه قبول ندارد، به وسیله یکی از یادی خود، به سال ۱۳۱۴ ق در آستانه (استانبول) وی را مسموم ساخت، که بر اثر آن درگذشت.

۲. علامه محمد اقبال لاهوری، شاعر و متفکر، به سال ۱۲۸۹ ق / ۱۸۷۳ م، در سیالکوت پاکستان غربی زاده شد، و در سال ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م وفات یافت. وی آخرین شاعر بزرگ پارسی‌گوی شبه قاره هند است و بر همه استادان پیش از خود، در آن سامان، سبقت گرفته است. تحصیلات وی در انگلستان و آلمان انجام یافت، و با سرمایه علمی‌ای که در غرب کسب کرد، سرمایه فرهنگی اسلامی خود را فزونی بخشید. او از پیشروان و اصلاح‌طلبان بزرگ مسلمانان هند، و از مؤسسان و بنیانگذاران کشور پاکستان به شمار می‌رود. نشانه‌های ایمان خاص او از آثارش هویدا است. عمق اندیشه‌هایش بسیار، و قدرت وی در بیان افکارش، سزاوار تحسین است. آثار او در مجموعه‌هایی به نام پیام مشرق، زبور عجم، اسرار ورموز، ارمغان حجاز، جاویدنامه و ... بارها به چاپ رسیده است. متأسفانه، سفارشها و سخنرانیهای این دو بزرگوار هیچ‌گاه عملی نشد، زیرا بیشتر جنبه نظری داشت و از مرحله عمل دور بود.

در عصر حاضر نیز عالمان و فرهیختگان بزرگی ظهور کردند که تنها به جنبه‌های نظری اتحاد میان مسلمانان عنایت داشتند، بلکه به صورت عینی و عملی آن را در زندگی خود پیاده کردند، که حضرت امام خمینی (۱۳۲۰ - ۱۴۰۹ ق) و حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (۱۳۱۵ - ۱۴۱۱ ق) رحمتهما دو نمونه بارز آنان بودند.

و علم‌الهدی (۳۵۵ - ۴۳۶ ق)، توشه‌ها بر گرفت. پس از درگذشت استاد خود، مرجعیت و مقبولیت عام یافت؛ به گونه‌ای که آوازه دانش و شخصیت علمی او در عراق، ایران و دیگر سرزمینهای اسلامی پیچید؛ چنان‌که به هنگام تدریس، بزرگترین شخصیت‌های علمی آن زمان، اعم از شیعه و سنی، در کنار کرسی درس او زانو می‌زدند و از دانش بی‌کران وی سیراب می‌شدند.

عظمت این مرجع بزرگوار شیعه چنان بود که خلیفه وقت (القائم بامرالله)، کرسی کلام را به وی واگذار کرده بود. ناگفته نماند که در آن روزگار برای این منصب ارزش فوق‌العاده‌ای قائل بودند، و هر کسی صاحب این مقام نمی‌شد، مگر این‌که تفوق علمی او بر همگانش روشن و معلوم می‌گشت. البته در بغداد آن روز، کسی در علم و فضل هم‌تراز وی نبود. ایشان با نوشتن کتاب الخلاف و آوردن آرای فِرَق اسلامی در کنار هم، اقدام به ایجاد وحدت و همبستگی در میان مذاهب اسلامی کرد. شاید به همین دلیل بود که مخالفان اتحاد مسلمانان، خانه و کتابخانه وی را در بغداد به آتش کشیدند؛ وگرنه پیش از شیخ طوسی، و در زمان او، عالمان و فقیهانی بزرگ بودند که تعصب شدید آنان به تشیع، و دشمنی آنها با اهل سنت، بیش از شیخ طوسی بود، ولی اهل سنت به کاشانه آنان هجوم نیاوردند و دست به غارت نزدند.

در این دو قرن اخیر نیز کسانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴ - ۱۳۱۴ ق) و علامه اقبال لاهوری (۱۲۸۹ - ۱۳۵۷) منادی بازگشت مسلمانان به اصول وحدت‌بخش اسلامی و اتحاد میان آنان بودند، که به اختصار معرفی می‌گردند:

۱. جمال‌الدین (سید) محمد بن صفدر حسینی اسدآبادی، فیلسوف، متفکر و مصلح اجتماعی شرق، در روستایی به نام اسدآباد، نزدیک همدان (اسعدآباد افغانستان؟)، به سال ۱۲۵۴ ق / ۱۸۳۸ م زاده شد. او مردی آزادیخواه و آزادمش و دارای افکار و عقاید فلسفی، سیاسی، اجتماعی و طرفدار استقرار دموکراسی در ممالک شرق، و ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل اتحادیه دول اسلامی بود. ایشان همه عمر را با استبداد سلاطین ایران، عثمانی، مصر و سیاست استعماری انگلستان مبارزه کرد، و پیوسته به شرق

۱. آیت‌الله العظمی حاج آقا روح‌الله مصطفوی موسوی خمینی (امام خمینی)، فقیه، اصولی، فاضل، عارف وارسته، فیلسوف متبحر، مرجع بزرگوار عالم تشیع، شاعر، بنیانگذار و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، در بیستم جمادی‌الثانی ۱۳۲۰، در میان خانواده‌ای روحانی، در شهر خمین دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و در سال ۱۳۳۹ ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال از محضر استادان بزرگوارش دانش آموخت و تا سطوح عالی پیش رفت. پس از تأسیس حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۴۰ ق، به دست آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۴ - ۱۳۵۵ ق)، وی نیز در سال ۱۳۴۵ ق رهسپار قم شد و در این شهر رحل اقامت افکند و به تحصیل دروس خارج پرداخت و به درجه اجتهاد رسید. از جمله استادان او در این دوره، آیت‌الله العظمی حائری یزدی (ره) بود. پس از آن، به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول گردید، و فلسفه را در محضر آیت‌الله شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگرفت و در این علم نیز به درجه اجتهاد رسید و به تدریس آن پرداخت.

در سال ۱۳۴۰ ش، که انجمنهای ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گشت، و در پی آن، حادثه پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ روی داد. سخنرانی پرشور و انقلابی ایشان در مدرسه فیضیه قم، موجب شد که مأمورین نظامی به مدرسه بریزند و طلاب را به گلوله بیندند و وی را دستگیر کنند و به پادگان عشرت‌آباد تهران منتقل نمایند. او پس از آزادی، به قم مراجعت کرد، و با کاپیتولاسیون به مبارزه پرداخت و با ایراد سخنرانی کوبنده‌ای در مسجد اعظم قم، بار دیگر دستگیر شد و منجر به تبعید وی در سیزدهم آبان ۱۳۴۲ به ترکیه گردید، که پس از مدتی به نجف اشرف منتقل گشت و نزدیک به پانزده سال در نجف اشرف مجبور به اقامت گردید. امام خمینی از پای نشست و از همان‌جا عهده‌دار رهبری انقلاب اسلامی گشت. با هر فرصتی که به دست می‌آمد، مردم را به مبارزه علیه نظام طاغوت تهییج می‌کرد. سرانجام ایشان را در اوج مبارزات کوبنده مردم ایران، به تحریک سردمداران طاغوت، از نجف بیرون راندند. ابتدا به کشور کویت عزیمت کرد. پس از ممانعت دولت کویت از ورود ایشان، مجبور به بازگشت شد. سپس به

پاریس سفر کرد و مدتی از همان‌جا رهبری را ادامه داد. با فرار شاه در دی ۱۳۵۷، حضرتش پیروزمندانه وارد میهن گشتند و عاقبت در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ کوششهای ایشان ثمره داد و ملت غیور ایران شاهد پیروزی را در آغوش گرفتند و نظام شاهنشاهی ایران را سرنگون ساختند، و در دوازدهم فروردین ۱۳۵۸، با انجام همه‌پرسی، حکومت اسلامی رسماً در ایران برقرار گردید.

حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه، یکی از چهره‌های برجسته سیاسی و از منادیان و حامیان اصلی وحدت عملی در میان مسلمانان جهان در عصر حاضر به‌شمار می‌آید. به دلیل این‌که ایشان معاصر است، بیشتر جهان اسلام با آرای حضرتش آشنا هستند، ولی به اختصار می‌توان به چند نمونه بارز اشاره کرد: ایجاد وحدت میان همه قشرهای میهن اسلامی در طول مبارزات مردم مسلمان ایران؛ اعلام راهپیمایی وحدت‌بخش مسلمین در براهت از مشرکین در مرکز نزول وحی، با حضور نمایندگان بیشتر دُول اسلامی؛ اعلام روز جهانی قدس و اظهار همدردی مسلمانان با مردم مظلوم فلسطین؛ ایجاد وحدت و اخوت بین مسلمانان میهنمان با انجام فریضة وحدت‌بخش جمعه و ...

سرانجام امام خمینی، پس از عمری مجاهدت، در چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ رخ در نقاب خاک کشید، و مرقد مطهرش زیارتگاه عاشقان آن امام همام در سراسر جهان گشت. وی دارای آثار به‌جای مانده فراوانی است، که شماری از آنها بدین‌قرارند: تحریر الوسیله، جهاد اکبر، کشف الاسرار، کتاب الصلوة، کتاب المکاسب، کتاب الطهارة، کتاب الخلل، کتاب البیع، مصباح الهدایة، چهل حدیث برگزیده در اخلاق، آداب نماز، سر الصلوة، منشور روحانیت، صحیفه نور، آزادی اقلیت‌های مذهبی، دانشگاه و انقلاب فرهنگی، جنگ و جهاد، گروه‌های سیاسی، فلسطین و صهیونیسم، ملی‌گرایی، استعمار و ابرقدرتها، مستضعفین و مستکبرین، محرم اسرار، باده عشق، ره عشق، کوثر، نقطه عطف و ...

۲. حضرت آیت‌الله العظمی ابوالمعالی سید شهاب‌الدین، محمدحسین حسینی مرعشی نجفی، علامه محقق، جامع معقول و منقول، نَسَابَةُ آل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فقیه اهل بیت علیهم‌السلام، اصولی، محدث رجالی، ادیب اریب، مورخ و ریاضیدان، مرجع عالیقدر و فرهنگبان تشیع و یکی از مفاخر جهان اسلام، در بین الطلوعین پنجشنبه، بیستم صفر ۱۳۱۵، در نجف

به دانش‌اندوزی در همه علوم و فنون، علاقه به درس و بحث، مطالعه کتاب، لذت بردن از جمع‌آوری ذخایر اسلامی و آثار گرانقدر علما و فقها و دستاوردهای آنان در طول تاریخ، انس با علما و دانشمندان در هر کجا و هر زمان، شور رسیدن به حق، سرمستی پیوند با اولیا و انبیا، باور این اندیشه که ندانستن عیب نیست و نرسیدن عیب است، از جمله ویژگیهایی بود که ایشان را بر ستیغ اجتهاد و بلندای شرف و فضیلت قرار داد.

از دیگر خصوصیات بارز حضرتش، اقتدا و پیروی کامل از اجدادش در ایجاد وحدت عملی میان مسلمین، اعم از شیعه و سنی است، که به حق می‌توان ایشان را یکی از پیشروان و منادیان و حامیان بارز این نهضت در عصر حاضر به شمار آورد. با وجود اخلاص و علاقه وافرش به خاندان ولایت و امامت - که در جای جای زندگی‌اش مشهود و زبانزد خاص و عام است - برای جلوگیری از تفرقه مسلمانان و سوء استفاده دشمنان اسلام، بدون تعصب با آنان به مباحثه می‌پرداخت و معاشرت می‌کرد و در حلقه‌های درس آنان حاضر می‌شد. شیوه عملکرد حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) را در ایجاد وحدت میان مسلمانان، می‌توان در چهار محور خلاصه کرد:

الف) شرکت در جلسات درس علما، فقها و محدثان بزرگ سایر فرق اسلامی، نظیر زیدیه، حنفیه و شافعیه، که به چند استاد وی اشاره می‌شود:

۱. علامه جمال‌الدین احمد بن علی بن حسن حسنی زیدی کوبکبانی، یمنی الاصل، هندی المسکن (م ۱۳۴۰ ق)، فقیه، محدث و متکلم، که از هندوستان به عراق مهاجرت کرد و در کاظمین رحل اقامت افکند. حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، در همین شهر مقدس، قسمتی از کتاب صحیفه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و کتابهای امالی ابوالحسین هارونی زیدی، امالی المؤید بالله و النفحة العنبرية في سلاله خير البرية را نزد وی تلمذ کرد. کوبکبانی در کاظمین دار فانی را وداع گفت و همان‌جا به خاک سپرده شد.

۲. علامه شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی (زنده

شرف، در خانواده تقوا و فضیلت و دانش و معنویت، پا به عرصه هستی نهاد. اغراق نیست اگر بگوییم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، یکی از پراستادترین چهره‌های علمی معاصر است که توفیق درک محضر استادان متعدد، در رشته‌های گوناگون را یافته است؛^۱ از جمله: پدر بزرگوارش، آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود حسینی مرعشی (م ۱۳۳۸ ق) و جدّه پدری‌اش، بی‌بی شمس شرف بیگم (م ۱۳۲۸ ق)؛ شیخ عبدالکریم بوشهری (سعادت)؛ آقا محمد محلاتی؛ حاج میرزا عبدالرحیم بلبله‌ای بادکوبه‌ای؛ سید محمدکاظم عصار؛ میرزا محمود شیرازی نجفی عسکری؛ شیخ حبیب‌الله ذوالفنون؛ شیخ حیدرعلی رفاع؛ آقا حسین بن محمد نجم‌آبادی تهرانی؛ میرزا ابوالحسن بن احمد اخباری هندی حائری؛ سید هبه‌الدین شهرستانی؛ شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی؛ محمدعلی خان بختیاری (مؤید الاطباء)؛ شیخ محمد حرزالدین نجفی؛ شیخ مرتضی طالقانی نجفی؛ میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی؛ سید آقا شوشتری جزایری؛ شیخ محمدجواد بلاغی نجفی؛ سید ابراهیم موسوی رفاعی شافعی؛ میرزا آقا اصطهباناتی؛ حاج سید علی طباطبایی یزدی؛ میرزا محمدعلی بن محمدنصیر چهاردهی رشتی؛ شیخ یعقوب‌علی زنجانی؛ شیخ عبدالحسین مرنندی؛ سید ابوتراب خوانساری نجفی؛ آیت‌الله سید حسن صدر؛ آیت‌الله مامقانی نجفی؛ شیخ محمدحسین قمشه‌ای کبیر نجفی؛ علامه سید ناصرحسین هندی لکهنوی؛ سید عبدالحسین آل‌کموئه؛ حاج فاضل مشهدی؛ میرزا مهدی آشتیانی؛ علامه سید مهدی بن سید علی موسوی صائغ بحرانی غریفی؛ سید محمدرضا بن سید علی موسوی صائغ بحرانی غریفی؛ آقا ضیاء‌الدین عراقی؛ شیخ احمد بن علی جناحی نجفی معروف به آل‌کاشف الغطاء؛ شیخ علی بن شیخ باقر بن شیخ محمدحسن صاحب جواهر؛ آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی؛ آیت‌الله میرسیدعلی یشربی کاشانی؛ حاج شیخ محمدحسین کمپانی؛ علامه جمال‌الدین حسنی زیدی کوبکبانی؛ علامه سید عبدالوهاب افندی حنفی.

کوششهای خستگی‌ناپذیر و مستمر ایشان در ۲۷ سالگی به ثمر نشست، و وی را در زمره علما و فقها درآورد. استعداد کامل، قوه حافظه بی‌نظیر، قدرت فراگیری و بهره‌وری فراوان، اشتیاق بیش از حد به یادگیری، عشق به پیشرفت، تمایل شدید

۱. نام بردن از تمام استادان ایشان، از حوصله این مقال خارج است. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: شهاب شریعت، ص ۱۳۳ - ۱۷۳.

و ایجاد زمینه تفاهم، مؤدّت و همکاری بین آنان، نقش بسیار ارزنده و مؤثری داشته است.

ایشان با رئیس جمعیت اخوت اسلامی مصر، علامه شیخ طنطاوی جوهری (م ۱۳۵۸ ق)، صاحب تفسیر التاج المرصع بجواهر القرآن والعلوم، معروف به تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم و استادان برجسته جامع الازهر قاهره مکاتبات متعددی داشته است. در یکی از این مکاتبات، علامه طنطاوی به تاریخ نوزده ربیع الاول ۱۳۵۸، در پاسخ ارسال نامه و کتاب شرح صحیفه سجادیه و کتب دیگر، به نمایندگی از جمعیت اخوت اسلامی قاهره، چنین نوشته است:

حضرت استاد ابوالمعالی شهاب الدین الحسینی المرعشی، مشهور به نجفی، نسابه آل الرسول ﷺ، سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد. تلگرام شریف مدتی است عزّ و وصول بخشیده است. شما در این تلگرام یاد آور شده‌اید: آیا کتاب ریاض السالکین شما در شرح صحیفه امام زین العابدین ﷺ، فرزند حسین السبط ﷺ، که توسط علامه سید علی بن معصوم، صاحب کتاب سلافة العصر، که در نوع خود بی نظیر و یگانه است، به دست ما رسیده است یا خیر؟

به عرض آن جناب می‌رسانم که آن کتاب ارزشمند و نفیس به من رسیده است و آن را توسط سید محسن اعظمی به حضور جمعیت اخوت اسلامی تسلیم نموده‌ام و در کتابخانه آن جمعیت قرار گرفته است، زیرا اگر در آن کتابخانه باشد، نفع آن عمومی و پردوام و ماندگار است. این جمعیت خوشوقت خواهند بود، اگر لطف نمایید و کتابهای دیگری از این نمونه که در کشور شما موجود است و می‌تواند به نوعی در ایجاد تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی نقش مؤثری ایفا کند به نشانی این جمعیت ارسال فرمایید. در پایان بهترین تحیات و درودهای مرا بپذیرید.

مخلص شما: طنطاوی جوهری

رئیس هیئت جلسات تحریر

این چهار محور، نقشی اساسی در وحدت عملی بین

علما، فقها و فضلاء دیگر مذاهب و فرق اسلامی اجازه داده‌اند؛ از جمله: اجازه روایتی به علامه شیخ عبدالواسع بن یحیی واسعی یمانی، در سال ۱۳۵۵ ق. علامه واسعی این اجازه را در سال ۱۳۵۷ ق در کتاب خود، الدر الفرید الجامع لمتفرقات الاسانید، در قاهره به چاپ رسانده است.

ج) ایجاد کتابخانه‌ای بزرگ و گردآوری میراث گرانبگرد فرهنگ و تمدن اسلامی از تمامی مذاهب و فرقه‌های اسلامی، بدون هیچ‌گونه تعصب به آثار تشیع. (حدود شصت تا هفتاد درصد از منابع گردآوری شده در کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی(ره)، از سایر فرق اسلامی است.) اهمیت دادن ایشان به آثار فرق غیر شیعی، تنها در گردآوری آنها نبوده، بلکه شامل چاپ و انتشار آنها نیز می‌گردد؛ یعنی با همان علاقه که دست به انتشار آثار شیعی از قبیل احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری می‌زند، کتاب تفسیر الدر المنثور سیوطی را نیز منتشر می‌نماید.

د) ارتباط وسیع و گسترده با شخصیت‌های علمی فرقه‌های اسلامی در سراسر جهان و نیز با مؤسسات و مراکز علمی و تحقیقاتی آنان.

یکی دیگر از راههای اشاعه اسلام و ترویج مذهب حقّه جعفری و تبلیغ شعایر دینی، که ایشان تا پایان عمر بابرکت خود بدان پایبند بود، اهدای تألیفات و آثار علما و فقهای اسلام به دانشمندان و شخصیت‌های علمی فرق گوناگون اسلامی و حتی دیگر ادیان، مراکز تحقیقاتی، دانشگاهی و مؤسسات عام‌المنفعه بوده است. وی برای معرفی معارف اسلام راستین، کوشش می‌کرد آثار و تألیفات علمای شیعه را جمع‌آوری کند و آنها را برای دانشمندان و علمای اسلامی در مصر، سوریه، حجاز، عراق، ترکیه، هند، پاکستان، افغانستان، یمن، مراکش، تونس، الجزایر، لبنان و ... ارسال نماید. نمونه‌های بسیاری از نامه‌های تشکرآمیز دانشمندان اسلامی، و حتی دانشمندان دیگر ادیان، مانند مسیحیان، در قبال ارسال کتاب برای آنان، هم اکنون موجود است.

یکی دیگر از کارهای تبلیغی و ارشادی که ایشان در ایجاد وحدت عملی و اخوت اسلامی بین مسلمین انجام داده است، مکاتبه با علما و دانشمندان مذاهب گوناگون اسلامی است. این مکاتبات در ایجاد وحدت و اخوت اسلامی، تقریب مذاهب

مسلمانان و اخوت اسلامی ایفا کرده است، که شمه‌ای از آن یاد آور گردید.

مهمترین آثار به جای مانده از آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) عبارت‌اند از:

ملحقات احقاق الحق (احقاق الحق)، که ۳۳ جلد آن تاکنون چاپ و منتشر شده است؛ مشجرات آل رسول الله الاکرم ﷺ، که یکی از آثار برجسته و گرانبها در علم انساب شمرده می‌شود؛ شرح و حاشیه عمده الطالب ابن عنبه، در علم انساب؛ طبقات النساین؛ حواش علی کفایة الاصول؛ حواش علی رسائل الشیخ الانصاری؛ شرح اللمعة؛ شرح معالم الاصول؛ المسلسلات فی الاجازات؛ الفوائد الرجالية؛ المشاهد والمزارات؛ علماء السادات؛ مسارج الافکار، که حاشیه بر تقریرات شیخ مرتضی انصاری است؛ مصطلحات فقهیه؛ الغایة القصوی؛ المعول فی امر المطول؛ الوقت والقبلة؛ الرد علی مدعی التحریف؛ سلوة الحزین ومونس الکئیب؛ رفع الغاشیة عن وجه الحاشیة^۱.

این عالم فرزانه و عارف زاهد، که عمری در راه دین مقدس اسلام و مذهب حقه جعفری قلم و قدم زد، و نزدیک به هشتاد سال به تدریس و تربیت شاگردان مکتب اهل بیت ﷺ، تألیف و تصنیف پرداخته بود، سرانجام در شامگاه چهارشنبه، هفتم صفر ۱۴۱۱ / هفتم شهریور ۱۳۶۹ / ۲۹ اوت ۱۹۹۰، در ۹۶ سالگی، پس از اقامه آخرین نماز جماعت در صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه ﷺ و لحظاتی پس از مراجعت به منزل، بر اثر عارضه قلبی درگذشت و از خاک به افلاک پر کشید و جهانی را سوگوار کرد. روانش شاد و راهش پر رهرو باد.

منابع

۱. الاجازة الكبيرة، آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، به کوشش محمد سمایی حائری، زیر نظر سید محمود مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲. اعیان الشیعة، سید محسن امین، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م، ۱۵۹/۹ - ۱۶۷.
۳. تاریخ الاسلام (حوادث ۴۵۱ - ۴۶۰ ق)، محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م، شماره ۲۶۸.

۴. الرجال، احمد بن علی النجاشی، بیروت، ۱۴۰۹ ق، ۳۳۲/۲.

۵. سخنوران نامی معاصر ایران، سید محمدباقر برقی، قم، ۱۳۷۳ ش، ۱/۳۴۰ - ۳۴۲.

۶. سنن، سلیمان بن اشعث ابوداود سجستانی، به کوشش عزت عبید الدعاس، حمص، ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ م، کتاب الامارة، حدیث باب ۱ و ۱۳.

۷. سنن، محمد بن عیسی ترمذی، به کوشش احمد شاگرد دیگران، قاهره، ۱۹۳۸ - ۱۹۶۲ م، کتاب جهاد، حدیث باب ۲۷.

۸. سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م، ۱۸/۳۳۴ - ۳۳۵.

۹. شهاب شریعت، علی رفیعی علامرودشتی، قم، ۱۳۷۳ ش / ۱۴۱۵ ق، ص ۴۸ - ۴۹، ۱۳۳-۱۷۳، ۱۸۷-۱۸۸، ۲۱۱، ۲۱۸ - ۲۳۵، ۲۴۹ - ۲۵۶، ۳۱۶، ۵۲۷ - ۵۴۸، ۵۵۱.

۱۰. صحیح، محمد بن اسماعیل بخاری، استانبول، ۱۴۰۱ ق، کتاب الجمعة، ۶/۲.

۱۱. فرهنگ جامع سیاسی، محمود طلوعی، تهران، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۵۴ - ۱۵۵.

۱۲. فرهنگ فارسی، محمد معین، تهران، ۱۳۵۶ ش، ۵/۱۶۴، ۴۳۲.

۱۳. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، علی بن محمد بن محمد، بیروت، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م، ۱۰/۵۸.

۱۴. مستدرک سفینة البحار، علی نمازی شاهرودی، تهران، ۱۴۰۹ ق، ۴/۱۶۵.

۱۵. المسلسلات فی الاجازات، سید محمود مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۶ ق.

۱۶. مسند، احمد بن حنبل، استانبول، ۱۴۰۴ ق، ۲/۴۷، ۵۴، ۵۵؛ ۳/۴۹۲؛ ۴/۶۳؛ ۵/۳۷۱؛ ۳۷۶.

۱۷. موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی، قم، ۱۴۱۸ ق، ۵/۲۷۹ - ۲۸۳.

۱۸. الوافی بالوفیات، صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی، به کوشش س. دیدرینگ، ویسبادن، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م، ۲/۳۴۹.

۱. برای اطلاع بیشتر از تألیفات ایشان، ر.ک: شهاب شریعت، ص ۲۱۸ - ۲۳۵.